

نگاهی نو به مسئولیت مدنی شخص غیرممیز (طرح نظریه نوین)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹

حسن ره‌پیک*
عبدالرافع عرب**

چکیده

حقوق مسئولیت مدنی به علت ماهیت عرفی آن، دارای قواعد سیال و شکننده است. یکی از مباحثی که قواعد آن در طول زمان در نظام‌های حقوقی، دچار تحول و تغییر شده است، «مسئولیت مدنی شخص غیرممیز» است. نظر مشهور فقها و حقوق‌دانان در خصوص مسئولیت مدنی شخص غیرممیز، این است که، در حقوق مسئولیت مدنی با توجه به ماهیت مسئولیت، که جز احکام وضعی - نه احکام تکلیفی - است، شرایط عامه تکلیف از جمله: اهلیت، بلوغ، عقل، تمیز و قصد، شرط تحقق آن نیست؛ بنابراین شخص غیرممیز در همه موارد و مصادیق خود، در برابر خسارات وارد شده، مسئول است و فقدان اهلیت، بلوغ، عقل، تمیز و قصد، مانع مسئولیت مدنی وی نیست. اطلاق قواعد اتلاف و تسبیب و مواد ۳۲۸ و ۲۱۶ ق.م. مستند استدلال این نظر است. در این مقاله با ارائه طرح و نظریه‌ای نو، مبنی بر عدم مسئولیت شخص غیرممیز در برخی مصادیق آن، با استدلالی نوین بر مبنای فقدان قصد فعل و سببیت حقوقی، نظر مشهور، مورد نقد قرار گرفته است. مبنای اصلی مسئولیت مدنی سببیت حقوقی است و یکی از ارکان سببیت حقوقی، فعل زیانبار است. فعل غیرارادی فعل زیانبار تلقی نمی‌شود، در نتیجه توان ایجاد و تحقق سببیت حقوقی و تبعاً مسئولیت مدنی را ندارد. نگارندگان در این خصوص راهکارها و پیشنهادهایی به قانونگذار داده‌اند که با اصلاح قانون، ضمن رعایت اصول حقوقی به عدل و انصاف نائل آید.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، صغیر غیرممیز، مجنون، قصد فعل، سببیت حقوقی.

* استاد دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری / نویسنده مسئول (srahpeik@gmail.com).

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (rafearab@yahoo.com).

مقدمه

یکی از مسائل مهم حقوق مسئولیت مدنی بحث «مسئولیت مدنی شخص غیرممیز» اعم از صغیر غیرممیز و مجنون، است. در این خصوص نظر مشهور فقها و حقوق دانان بر مسئولیت این اشخاص در همه موارد و مصادیق خود می‌باشد. در این مقاله، نگارندگان ضمن احترام به نظر مشهور و نقد آن، مدعی عدم مسئولیت شخص غیرممیز در جاییکه فاقد قصد فعل است، شده‌اند.

سؤالات قابل طرح در این مقاله عبارت‌اند از اینکه: آیا شخص غیرممیز، در تمام موارد، سبب حقوقی و تبعاً مسئول خسارت وارد شده، می‌باشد یا خیر؟ قصد فعل و تمیز در مسئولیت مدنی و به ویژه در رکن سببیت حقوقی آن، چه نقش و تأثیری دارد؟ آیا همه اشخاص غیرممیز دارای قصد فعل هستند؟ خلاً پاسخ‌گویی به سؤالات فوق‌الذکر با دیدگاهی نو در فقه و حقوق ما، اهمیت و ضرورت تحقیق را نمایان می‌کند. در این مقاله حسب شیوه معمول نگارش مقالات علمی پژوهشی، ابتدا به موضوع‌شناسی تحقیق پرداخته شده است، که طی آن مفاهیم مسئولیت مدنی، شخص غیرممیز (صغیر غیرممیز و مجنون) مورد تبیین قرار گرفته است و سپس به بررسی مبنا و وضعیت حقوقی مسئولیت مدنی شخص غیرممیز پرداخته شده است.

پژوهش حاضر، از حیث بدیع بودن و نیز کاربرد عملی داشتن آن، از مشخصه خاصی برخوردار است که در سایر تحقیق‌ها نسبت به آن غفلت شده است. روش تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی است و سعی شده از منابع مختلف فارسی و لاتین از جمله کتابخانه‌ها، پایگاه‌های اینترنتی، پایگاه‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای اطلاعاتی استفاده شود. روش اصلی گردآوری مطالب در این تحقیق، روش کتابخانه‌ای و ریشه‌ای است.

۱. مفهوم مسئولیت مدنی (Civil Liability)

در لغت، «مسئولیت» به معنای پاسخ‌گویی و مؤاخذه است (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۲۵۲). در اصطلاح حقوقی به معنای پاسخ‌گویی شخص، نسبت به نقض تعهدی است که سابقاً

بر عهده وی بوده است؛ به طوری که این نقض تعهد، عرفاً به وی مستند است (یزدانیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۱). حسب نوع مسئولیت، ضمانت اجرای قانونی آن نیز متفاوت است. مسئولیت به دو نوع «مسئولیت اخلاقی» و «مسئولیت حقوقی» تقسیم می‌شود که نوع اخیر، خود شامل دو نوع «مسئولیت کیفری» و «مسئولیت مدنی» است. مسئولیت مدنی به معنای عام، شامل مسئولیت مدنی قراردادی و مسئولیت مدنی غیرقراردادی (مسئولیت مدنی به معنای خاص) می‌باشد (باریکلو، ۱۳۸۹، ص ۲۲).

مسئولیت شخص نسبت به نقض ارزش‌ها و تعهدات اخلاقی در برابر خداوند متعال یا وجدان آگاه خود، «مسئولیت اخلاقی» نام دارد (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص ۴۷). مسئولیت کیفری نیز به معنای پاسخ‌گویی شخص نسبت به نقض تعهدات حقوقی‌ای است که شخص در برابر جامعه داشته است که با تحمل مجازات مقرر در قانون، صورت می‌گیرد (یزدانیان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۷).

مسئولیت مدنی در معنای عام خود به مسئولیت جبران خسارت ناشی از رفتارهای زیان‌بار تعریف شده است (ره‌پیک، ۱۳۹۲، ص ۲۷)؛ به بیان دیگر به التزام شخص به جبران خسارات ناشی از فعل منتسب به او، مسئولیت مدنی در مفهوم کلی و عمومی خود گویند (باریکلو، ۱۳۸۹، ص ۲۲). این التزام جبران خسارت به سبب نقض تعهد سابق است که اشخاص در برابر هم دارند: اگر منشأ این تعهد، اراده و قرارداد متعهد باشد، به این التزام، مسئولیت مدنی قراردادی گویند؛ ولی، اگر منشأ تعهد، حکم قانون باشد، به این التزام، مسئولیت مدنی غیرقراردادی (مسئولیت مدنی به معنای خاص) گویند (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۳۳).

۲. مفهوم شخص غیرممیز

در این مقاله منظور از شخص غیرممیز، شخصی است که فاقد قوه تمیز و تشخیص است. طبق این مفهوم، شخص غیرممیز، شامل صغیر غیرممیز و نیز مجنون می‌شود؛ بنابراین منظور از شخص غیرممیز، صرفاً صغیر غیرممیز و یا صرفاً مجنون نیست، بلکه شامل هر دو آنها است که در زیر به مفهوم هریک از آنها پرداخته می‌شود.

۲-۱. مفهوم صغیر غیر ممیز

در لغت، صغیر به معنای خرد و کوچک است (معین، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵). در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سنی به رشد و نمو لازم جسمانی و روحی جهت زندگی مستقل اجتماعی در جامعه نرسیده است؛ همچنین به کسی که به سن بلوغ نرسیده باشد، صغیر گویند (ابن عابدین، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۵۸۴/باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸).

بلوغ در لغت به معنای «رسیدن» است و در اصطلاح حقوقی بلوغ به وضعیتی گویند که قوای جسمانی صغیر، رشد لازم برای توالد و تناسل را پیدا کرده باشد. در فقه نشانه‌هایی برای بلوغ ذکر شده است که برخی از آنها طبیعی و فیزیولوژی و برخی دیگر شرعی و قانونی هستند (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۰۸). برای نشانه‌های طبیعی بلوغ، علایمی همچون رویدن موهای خشن بر پشت آلت تناسلی، بیرون آمدن منی از مخرج معناد (احتلام) و قاعدگی و بارداری^۱ در فقه مثال زده شده است. همچنین فقها حد شرعی بلوغ را سن معینی قید نمودند که اماره بر بلوغ است و شخص با رسیدن به این سن، بالغ فرض می‌شود؛ ولی در خصوص سن بلوغ، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که طبق نظر مشهور فقها - که البته قابل انتقاد و تأمل است - سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری دانسته شده است که تفصیل آن از حوصله این نوشتار خارج است.

همه صغار، از نظر توان عقلی و قدرت درک و تشخیص در وضعیت یکسانی قرار ندارند و قدرت درک آنها با یکدیگر متفاوت است. به طوری که در سنی معین، برخی از آنان قدرت تمیز دارند؛ ولی، بعضی دیگر، فاقد آن هستند. تمیز و قدرت تشخیص، امری است نسبی که از یک فرد تا فرد دیگر متفاوت است و به عوامل متعدد فیزیکی، وراثتی، جسمی، محیطی، آموزشی و غیره بستگی دارد. همچنین ممکن است، صغیر نسبت به موضوعی ممیز باشد؛ ولی، نسبت به موضوع دیگر غیر ممیز (حیاتی، ۱۳۹۴،

۱. در فقه امامیه این دو علامت طبیعی، یعنی قاعدگی و بارداری، از علایم بلوغ تلقی نشده است، بلکه آنها کاشف از بلوغی است که قبلاً حاصل شده است.

ص ۲۰۳).

بر اساس توان عقلی و قدرت تشخیص، کودکان به صغار غیرممیز و صغار ممیز تقسیم می‌شوند. صغیر غیرممیز، طفلی است که فاقد قوه درک و تمیز است و توان تشخیص نفع و ضرر خود را ندارد و آثار ذاتی معاملات را درک نمی‌کند و معاملات را از هم باز نمی‌شناسد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷ / شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷). در مقابل، صغیر ممیز، طفلی است که هرچند به سن بلوغ نرسیده است؛ ولی توان درک و تشخیص بعضی از ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها و سود و زیان برخی از اعمال حقوقی را دارد و آثار ذاتی معاملات را درک می‌کند و وضعیت عقلی او به گونه‌ای است که هرچند به تکامل رشد عقلی نرسیده است؛ ولی کاملاً فاقد قدرت درک و تمیز نیست (حیاتی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۳).

۱۱ قانونگذار ایران، سن معینی را به‌عنوان سن تمیز معین نکرده است؛ بنابراین تشخیص آن با دادگاه است که چنانچه درخصوص ممیز یا غیرممیز بودن طفلی، اختلاف ایجاد شود، دادرس باید با آزمودن صغیر، دراین خصوص تحقیق کند و در صورت شک و تردید و فقدان هرگونه دلیل و اماره، بر اساس حکومت یقین سابق بر شک لاحق، اصل را بر غیرممیز بودن طفل بگذارد و تا زمانیکه قدرت تمیز او به‌نحوی از انحاء به اثبات نرسد، باید حالت سابق او را که غیرممیز بودن است، استصحاب نماید (همان، ص ۲۰۴). در اینکه صغیر ممیز اصولاً دارای قصد فعل در اعمال خود است، تردیدی نیست؛ ولی تردید درخصوص صغیر غیرممیز است، که آیا وی مطلقاً و در تمام مصادیق خود، دارای قصد فعل در اعمال خود است یا خیر؟ پاسخ این سؤال را به مباحث بعدی موکول می‌کنیم.

۲-۲. مفهوم مجنون

مجنون اسم مفعول از ریشه جن است که در لغت به‌معنای پوشیده شدن و پنهان شدن و دیوانه معنا شده است (ابن‌منظور، ۱۹۹۴، ج ۱، ص ۲۵۵). از نظر روان‌شناسی، مجنون کسی است که دچار روان‌پریشی و بیماری روانی است که فاقد کنترل رفتار و کردار خویش است و قدرت فکر، اندیشه و احساس در او وجود ندارد. شایع‌ترین این

بیماری، اسکیزوفرنی است (بشیریه، ۱۳۸۷، ص ۹۲). در اصطلاح حقوقی، مجنون به کسی گفته می‌شود که فاقد قوهٔ درک و تشخیص و تمیز است و دچار اختلال کامل نیروی عقلانی و فساد عقلی است؛ به بیان دیگر جنون عارضهٔ دماغی است که مجنون درکی از اعمال شخصی خود ندارد (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). در فقه نسبت به مفهوم جنون و تعریف آن اختلاف نظر است و ملاک‌های متعددی جهت احراز آن عنوان شده است: برخی از فقها مطلق فساد عقل را جنون می‌دانند (اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۸/عاملی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۱۷۲). برخی دیگر از فقها جنون را فساد عقلی‌ای می‌دانند که از بیماری خاصی نشأت نگرفته باشد؛ به بیان دیگر جنون، فساد استقرار یافته در عقل می‌باشد، مشروط بر اینکه این فساد به اغماهای تکراری یا سهو سریع الزوال استناد داده نشود (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۳۴). گروهی دیگر از فقها جنون را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: نوعی از آن، مسبب از بیماری است و نوع دیگر، ناشی از بیماری نیست (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۳۱۸).

همانطوریکه اقوال فقها حکایت دارد، برخی از فقها ملاک جنون را «فساد عقل»^۲ می‌دانند و معتقدند که در مفهوم و صدق جنون، فساد عقل موضوعیت دارد. برخی دیگر از فقها، فساد عقلی را معیار و ملاک جنون ندانسته‌اند؛ بدین ترتیب که شخصی را که دچار فساد و زوال عقل نشده باشد؛ ولی، بر اثر بیماری، اغمایی بر او عارض شود که قدرت تمیز و درک را از دست بدهد، مجنون دانسته و احکام جنون را بر او مترتب نمودند.

به نظر می‌رسد، نظر فقهای دسته اول منطقی و موجه است؛ بنابراین مجنون به کسی گفته می‌شود که به فساد عقل و اختلال کامل قوای دماغی دچار شده باشد؛ در نتیجه، اشخاصی که در حالت خواب و یا در حالت اغما و بیهوشی قرار دارند، هرچند در حکم مجنون هستند؛ ولی مجنون تلقی نمی‌شوند (حسینی المرآغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۸۴/ کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲)؛ زیرا در حالت خواب و اغما، قوهٔ عقل و تمیز به کلی فاسد و تباه نشده است، بلکه قوهٔ عقل در این حالات، غیرفعال است و به حالت سکون درآمده

۲. الفساد: خروج الشيء عن الاعتدال، قليلاً كان الخروج عنه او كثيراً و يصاده الصلاح، و يستعمل ذلك في النفس و البدن و الأشياء الخارجة عن الاستقامة (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵، ص ۶۳۶).

است که زودگذر می‌باشد. در این حالات، هرچند قوه تمیز وجود ندارد و شخص فاقد اراده است؛ ولی مجنون نیست و عرفاً مجنون تلقی نمی‌شوند؛ زیرا در حالت بیداری و یا در حالت بهبودی و به هوش آمدن فرد در حالت کما، قوه عقل، حرکت طبیعی خود را باز می‌یابد. علت و مبنای تعبیر جنون، به فساد کامل عقل و قوای دماغی، عرف و بنای عقلا است. از دیدگاه عرفی شخصی که در حالت اغما و یا در حالت خواب قرار دارد، مجنون نیست؛ زیرا قوه عقل وی به‌طور کلی فاسد نشده است، برعکس، کسی که عقلش به‌طور کلی فاسد شده باشد، مجنون یا دیوانه است.

در یک تقسیم‌بندی، جنون از حیث میزان استقرار آن، به جنون دائمی و جنون ادواری تقسیم می‌شود: به جنونی که همیشگی، مستمر و دائمی است و شخص مجنون در تمام لحظات زندگی خود مادامی که بهبود حاصل نکرده است به آن مبتلا است، «جنون دائمی یا اطلاق» گویند و در مقابل، به جنونی که همیشگی، مستمر و دائمی نیست و شخص در تمامی لحظات زندگی خود دچار آن نیست، بلکه گهگاهی دچار جنون است و گاهی از آن رهایی می‌یابد، «جنون ادواری» گویند. به لحظه‌ای که مجنون از حالت جنون رهایی می‌یابد، لحظه «افاقه» گویند (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۵۲). گفتنی است که مجنون ادواری در لحظاتی که در حالت جنون قرار دارد، عقلش به‌طور کامل فاسد است و قدرت تشخیص و تمیز ندارد، به‌همین دلیل مجنون محسوب می‌شود.

نیرو و قوه عقل وجه بارز تمایز انسان از حیوان است که خداوند متعال، این موهبت را به انسان اعطا نموده است که در قبال آن انتظارات، تکالیف و مسئولیت‌هایی برعهده او گذاشته است. انسان به کمک عقل در مسائل روزمره خود، دچار تردید می‌شود و به اندیشه و انتخاب دست می‌زند. هیچ‌گاه حیوانات دچار تردید، اندیشه و انتخاب نمی‌شوند و در سر دوراهی قرار نمی‌گیرند. به‌همین ترتیب، اعمال و افعال انسان، دو گونه است: اعمالی که بر اساس عقل و تفکر انجام می‌گیرد که این اعمال خاص انسان‌هاست، در مقابل افعال و حرکاتی که بر اساس فطرت و خوی حیوانی از انسان یا حیوان سر می‌زند. این افعال بین حیوان و انسان مشترک است. به‌طوری‌که حیوانات، براساس غریزه به‌طور قهری، محکوم به حرکت هستند (حیاتی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۰). گفتنی

است: جنون، درجاتی دارد که در حالت اشد آن، مجنون فاقد هرگونه قصد فعل است (مجنون مطلق)؛ زیرا مجنون مطلق، فاقد قدرت کنترل و تسلط مثبت و منفی در اعمال خود است؛ ولی برخی از مجانین، دارای قصد فعل هستند (مجنون نسبی).

۳. نقش تمییز و قصد فعل در مسئولیت مدنی

قصد فعل، یکی از شرایط تحقق سببیت حقوقی است^۳ که بدون آن، سببیت حقوقی،

۳. بین سببیت حقوقی و سببیت فلسفی تمایز اساسی وجود دارد. مفهوم، مبنا، معیار، اهداف و قواعد متفاوتی بر آنها حاکم است. همچنین سببیت حقوقی شامل سببیت عرفی و نیز سببیت قانونی است. رابطه منطقی بین سببیت حقوقی و سببیت عرفی، عموم و خصوص مطلق است، نه تساوی. گفتنی است که قصد فعل در سببیت عرفی، شرط است و در سببیت قانونی شرط نیست؛ زیرا سببیت قانونی، سبب به معنای واقعی آن نیست و نباید در پی تطبیق همه شرایط سببیت واقعی در آن شد؛ به دیگر عبارت، در سببیت قانونی، سبب قانونی، سبب واقعی (عرفی) وقوع خسارت نیست؛ بنابراین قصد فعل در سبب قانونی شرط نیست؛ زیرا، فعل زیانبار که سبب واقعی خسارت وارد شده است، در سبب قانونی وجود ندارد؛ بنابراین با فقدان فعل زیانبار در سبب قانونی، لزوم وجود قصد فعل در سبب قانونی، موضوعاً منتفی است و سالبه به انتفای موضوعیه است؛ زیرا لزوم وجود قصد فعل در جایی معنا دارد که فعل زیانبار وجود داشته باشد.

در برخی از موارد، قانونگذار، بنا به مصالحی در جهت حمایت از زیان دیده، ضرر وارد شده را به شخصی متناسب می‌نماید که عرفاً مسئول نیست و بین ضرر و فعل آن شخص، رابطه سببیت عرفی وجود ندارد. مثلاً اگر کارگری در جریان کار و به مناسبت همان کار، ضرری به دیگری وارد نماید، بر اساس قضاوت عرفی بین فعل کارگر و ضرر، رابطه سببیت عرفی، برقرار است؛ ولی، قانونگذار برای حمایت از زیان دیدگانی که از فعالیت‌های سودجویانه کارفرمایان، متضرر شده‌اند، در کنار این قضاوت عرفی، میان ضرر و فعل کارفرما، نیز اماره سببیت قانونی ایجاد نموده و مسئولیت و جبران ضرر را نیز بر عهده کارفرما هم، قرار داده است (مستفاد از ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹). در مسئولیت ناشی از فعل غیر، مانند مسئولیت کارفرما و سرپرست، بر اساس قاعده عمومی، سببیت واقعی وجود ندارد و الا اگر کارفرما، سرپرست و... واقعاً سبب باشند، به قاعده مسئولیت ناشی از فعل غیر، نیازی نیست. در مسئولیت ناشی از فعل غیر، رابطه تبعیت بین سبب قانونی و سبب واقعی (عرفی)، توجیه کننده فرض سببیت قانونی به جهت حمایت از زیان دیده است.

قانونگذار در ضررهای ناشی از وسیله نقلیه موتوری زمینی نیز نوعی سببیت قانونی بین فعل دارنده و وسیله نقلیه با ضرر وارد شده، برقرار نموده است، به خصوص آنجایی که دارنده وسیله نقلیه، راننده و متصرف آن، نیست و راننده شخص دیگری می‌باشد. برای رهایی از مسئولیت مدنی، این دارنده و وسیله نقلیه است که باید وجود علتی خارجی مانند قوه قاهره را که منجر به ورود ضرر شده است، اثبات نماید (مستفاد از تبصره ۲ ماده ۱ و ماده ۵ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایط نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷ و نیز مواد ۲ و ۴ قانون

محقق و برقرار نمی‌شود؛ به بیان دیگر یکی از شرایط سببیت حقوقی، ارادی و اختیاری بودن نوعی فعل ارتكابی است. یعنی رفتار مرتکب باید با قصد فعل (عمد در عمل) صورت گیرد، هرچند اگر قصد اضرار (عمد در اضرار) وجود نداشته باشد؛ به دیگر سخن، فعل ارتكابی لازم نیست، عامدانه باشد، ولی لازم است که مرتکب با قصد، اراده و اختیار، فعل ارتكابی را انجام داده باشد؛ زیرا بین فعل غیرارادی و ضرر وارد شده، سببیت حقوقی برقرار نمی‌شود و تبعاً مرتکب آن، مسئول خسارات وارد شده نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۴/ ره‌پیک، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷/ محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴/ عمید زنجانی، ۱۳۸۹، صص ۱۱۶ و ۱۳۳). هرچند بین فعل غیراختیاری و ضرر وارد شده، سببیت فلسفی و مادی برقرار است که در حقوق این نوع سببیت ملاک مسئولیت نیست؛ بنابراین مبنای لزوم قصد فعل در مسئولیت مدنی (در مواردی که سببیت حقوقی شرط مسئولیت مدنی است) این است که برای تحقق مسئولیت مدنی، وجود و احراز سببیت حقوقی شرط است و برای وجود و احراز سببیت حقوقی نیز لازم است که شرایط اساسی صحت و تحقق سببیت حقوقی، موجود باشد. یکی از این شرایط، وجود

بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب (۱۳۹۵)؛ بنابراین در موارد خاص و استثنایی به ویژه در مواردیکه مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیرناشی از اشیا است، قانونگذار، نوعی اماره سببیت قانونی که البته خلاف آن، اصولاً قابل اثبات است، ایجاد کرده است که مبین سببیت قانونی است و ممکن است، حسب مورد، منطبق یا مختلف با سببیت مادی یا سببیت عرفی باشد. گفتنی است که سببیت حقوقی اعم از سببیت عرفی و نیز سببیت قانونی است. تفصیل بیشتر موضوع و تمایزات بنیادین، بین این سه نوع سببیت، از حوصله این نوشتار خارج است و در نوشتاری جداگانه ان‌شاءالله مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

در سببیت قانونی، سببیت به معنای واقعی آن وجود ندارد، به این معنا که سببیت به عنوان پدیده‌ای انتزاعی و به کمک ذهن، از واقعیات انتزاع گردد. بلکه قانونگذار، جهت حمایت زیان‌دیده، نوعی سببیت فرض نموده است، که به معنای واقعی سببیت، نیست. قانونگذار در این موارد خاص، به متضرر حق مراجعه به سبب قانونی را در کنار سبب عرفی داده است. در واقع در این موارد خاص، سببیت واقعی، سببیت عرفی است، نه سببیت قانونی؛ بنابراین نباید در پی تطبیق همه شرایط سببیت واقعی، در سببیت قانونی شد، برای نمونه در سببیت قانونی، نباید قصد فعل را شرط سببیت و ضمان دانست. در مثال‌های فوق کارفرما و دارنده وسیله نقلیه‌ای که راننده آن نیست، سبب واقعی نیستند، به همین دلیل بعد از پرداخت خسارت به زیان‌دیده، می‌تواند به سبب واقعی (سبب عرفی) مراجعه کنند.

۴. ارکان سببیت حقوقی شامل فعل زیان بار و خسارت وارد شده است، که بدون هریک از این دو

قصد فعل در عمل مرتکب است و آلاً در صورتی که قصد فعل، مفقود باشد و مرتکب فاقد قصد فعل، در عمل خود باشد، همانند حالت دخالت علت خارجی، سببیت حقوقی و تبعاً مسئولیت مدنی نیز منتفی خواهد بود. گفتنی است، قصد فعل شرط مسئولیت مدنی نیست، بلکه شرط سببیت حقوقی است؛ زیرا در برخی از موارد خاص، مسئولیت مدنی، بدون لزوم وجود سببیت حقوقی برقرار می‌شود (مانند مسئولیت غاصب، نسبت به خسارات ناشی از قوه قاهره) و حتی در برخی از موارد خاص، بدون وجود فعل زیانبار، مسئولیت مدنی محقق می‌شود؛ بنابراین قصد فعل نمی‌تواند شرط مسئولیت مدنی باشد، بلکه شرط سببیت حقوقی است، یعنی در مواردیکه سببیت حقوقی، شرط مسئولیت مدنی است، قصد فعل شرط سببیت حقوقی است.

علت اینکه قصد فعل، شرط سببیت حقوقی است، این است که ضمان، بر فعل زیانبار شخص، مترتب می‌شود. فعل غیراختیاری، از حیث حقوقی فعل زیانبار تلقی نمی‌شود؛ بنابراین خسارات وارد شده ناشی از حرکات حیوانات، آفات آسمانی و قوای قهریه همانند سیل، زلزله، طوفان و غیره، که در فقه به‌عنوان تالف شناسایی می‌شوند، قابل جبران نیست و حتی در این موارد، نمی‌توان بر مبنای تضمین حق مالک، بیت المال و یا دولت را مسئول دانست (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۱۴۴ / خویی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۲۲). علت مسئولیت شخص، اراده و قصد فعل وی و تبعاً توان ایجاد سببیت حقوقی در وی است: این عنصر در حیوانات و قوای قاهره وجود ندارد و به‌همین دلیل، در خسارات ناشی از حیوانات و قوای قاهره مسئولیت محقق نمی‌شود؛ بنابراین در مواردیکه شخص، فاقد اراده و قصد فعل است، از حیث عدم توانایی در تحقق سببیت حقوقی و نیز مسئولیت مدنی، در حکم حیوان است و فاقد مسئولیت مدنی می‌باشد؛ به‌بیان‌دیگر از یک طرف، اراده و قصد فعل، رکن فعل است و فعل بی‌اراده، فعل نیست (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، صص ۶۶ و ۸۸ / Heaton, 2006, p.208 / Herring, 2004, p.125 / Sistare, 1989, p.215) و از سوی دیگر، فعل یکی از ارکان سببیت حقوقی است، که بدون آن، سببیت حقوق

رکن، سببیت حقوقی محقق نمی‌شود و این دو رکن با همدیگر سببیت حقوقی را ایجاد می‌کنند (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، ص ۵۳)؛ اراده و قصد فعل، رکن فعل است و فعل بی‌اراده، فعل نیست؛ بنابراین فعل غیرارادی چون فعل زیان بار تلقی نمی‌گردد، توان ایجاد سببیت حقوقی را ندارد.

برقرار نمی‌شود؛ بنابراین اراده و قصد فعل از شرایط سببیت حقوقی است که بدون آن سببیت حقوقی محقق نمی‌شود.

قانونگذار در ماده ۹۹۹ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ به این مهم توجه نموده است، به موجب این ماده، اگر شخصی دیگری را بترساند به طوری که بی‌اختیار شود و به خود یا دیگری خسارتی وارد کند. ترساننده سبب و مسئول است و شخص بی‌اختیار سبب و مسئول نیست.

در خصوص وجود و یا فقدان قصد فعل، سه حالت، قابل تصور است. گاهی شخص دارای قصد فعل است، در این حالت در خصوص امکان وجود سببیت حقوقی، تردیدی نیست. گاهی فقدان قصد فعل، به خاطر علت خارجی (قوه قاهره، دخالت شخص ثالث و دخالت زیان‌دیده) است، حکم این حالت نیز روشن است: به علت فقدان سببیت حقوقی و فقدان انتساب خسارت به فعل خواننده، تبعاً مسئولیت مدنی وجود ندارد. برای مثال، عابری از منطقه‌ای که گاز در آن پخش است، عبور می‌کند و ناخودآگاه با استشمام گاز، شل و بی‌حال می‌شود و با برخورد به شیشه یا ماشین دیگری، منجر به خسارت می‌شود، در این حالت خسارت به علت خارجی ملحق می‌شود. حالت سوم جایی است که قصد فعل به طور شخصی در خواننده وجود ندارد؛ ولی به طور نوعی (در شخص متعارف) قصد فعل وجود دارد؛ به بیان دیگر هر چند به طور واقعی قصد فعل در خواننده وجود ندارد، ولی وجود قصد فعل برای وی فرض می‌شود، مانند اینکه نویسنده‌ای غرق در نویسندگی شود و بدون آنکه متوجه باشد و قصد فعل داشته باشد، پایش به طور غیرارادی به گلدان می‌خورد و گلدان می‌شکند، یا شخصی در حال راه رفتن پایش می‌لغزد و باعث ضرر می‌شود. در این حالت قصد فعل به طور شخصی، وجود ندارد؛ ولی قصد فعل نوعی وجود دارد، یعنی فرض می‌شود، قصد فعل و تبعاً مسئولیت مدنی، وجود دارد. ضرورت حمایت از زیان‌دیده و ضرورت جبران خسارت وارد شده و فلسفه مسئولیت مدنی، مؤید این نظر است. گفتنی است، در خصوص اشخاص غیرمتمیزی که هیچ قصدی ندارند، فقدان قصد فعل در آنان، عدم مطلق است، نه عدم بلکه؛ بنابراین اینان ملحق به حالت قوه قاهره می‌شوند (حالت دوم)، و امکان ایجاد سببیت حقوقی بین افعال اینان با خسارت وارد شده، وجود ندارد

و مسئول قلمداد نمی‌شوند، مانند نوزاد دو ماهه، دیوانه مطلق، اشخاصی که در حالت کما قرار دارند و نیز اشخاصی که صرفاً تیکه‌ای گوشت هستند و زندگی نباتی دارند. گفتنی است که در حالت تصادف دو وسیله نقلیه که یکی مقصر و دیگری بی‌تقصیر است، ورود ضرر، خارج از حالت اجتماع مباشر مقصر و مباشر غیرمقصر است، بلکه حادثه ناشی از دخالت مباشر مقصر و عامل طبیعی است و فقط راننده مقصر، مباشر وقوع ضرر است و راننده‌ای که «گذشته از خارجی بودن علت، وقوع تصادم برای او اجتناب ناپذیر و غیرقابل پیش‌بینی بوده است» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۱۹). تنها یک عامل طبیعی محسوب می‌شود که به علت فقدان قصد فعل و اراده، سببیت حقوقی در وقوع ضرر ندارد و ضرر با راننده مقصر، سببیت برقرار می‌کند و فقط او ضامن خسارات وارد شده است؛ به عبارت دیگر، صرف برخورد فیزیکی داشتن و حرکت شی دلالت بر تحقق مباشرت (اتلاف) ندارد؛ زیرا برخورد کننده، اراده‌ای در برخورد کردن، ندارد و عمل وی غیرارادی است.

در این خصوص ماده ۵۰۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، در خور توجه است، به موجب این ماده «هرگاه راننده‌ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حرکت است، درحالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید، ضامن منتفی و در غیراین صورت راننده ضامن است.» دلیل عدم ضمان راننده غیرمقصر، عدم اشتراط تقصیر در رفتار مباشر نیست، بلکه دلیل آن، این است که رفتار عابر مقصر، برای راننده در حکم قوه قاهره است (همان) و او (راننده) را به وسیله‌ای صرف تبدیل کرده است؛ بنابراین عابر، تنها مباشر زیان وارد شده به خویش است که طبق قاعده اقدام، حق مطالبه خسارات را ندارد.

ملاک ارادی بودن رفتار مرتکب، وجود سلطه مثبت و منفی در مورد فعل و وجود سلطه منفی در مورد ترک فعل است. زمانی فعل یا ترک فعل به مرتکب آن، مستند است که ارادی باشد؛ یعنی علت فاعلی آن باشد و برای آنکه مرتکب، علت فاعلی تلقی شود، در مورد فعل، باید سلطه مثبت و نیز سلطه منفی داشته باشد. در مورد ترک فعل، صرف وجود سلطه منفی کافی است. منظور از سلطه مثبت آن است که اختیار انجام

فعل را داشته باشد و منظور از سلطه منفی این است که فاعل باید توان پیش‌گیری و اجتناب از عمل خود را داشته باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵/ طاهری نسب، ۱۳۸۹، ص ۲۷۲).

یکی از مسائل چالش‌برانگیز در بحث سببیت حقوقی این است که ملاک استناد و انتساب فعل به مرتکب آن چیست؟ آیا صرف صدور رفتار مادی بدون اینکه اراده مرتکب، دخالتی در وقوع فعل ارتكابی داشته باشد و بدن مرتکب تحت تأثیر برخی محرک‌های درونی یا عوامل بیرونی حرکتی از خود بروز داده باشد، برای برقراری انتساب فعل به مرتکب آن کافی است و شخص، علت فاعلی آن رفتار محسوب می‌گردد (ملاک فلسفی و مادی)؟ یا اینکه رفتار ارتكابی باید خاستگاه ارادی داشته باشد و با اراده و اختیار صورت گرفته باشد تا قابل استناد به مرتکب آن باشد (ملاک حقوقی)؟

مشهور فقها و حقوق‌دانان، هرچند استناد را رکن مسئولیت مدنی می‌دانند؛ ولی، قصد فعل را شرط استناد و شرط ضمان نمی‌دانند؛ در نتیجه، مرتکب فعل غیراختیاری را سبب و ضامن خسارات وارد شده می‌دانند (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۳، ص ۱۴۱). در کتب فقهی در خصوص دایه‌ای که در حالت خواب است و بر اثر غلطیدن بر روی طفل، او را تلف می‌کند، دیه بر مال عاقله او ثابت شده است، درحالی‌که شخص خواب، قصد فعل ندارد. در این خصوص قانون مجازات اسلامی نیز با تأسی از نظر مشهور، جنایت را خطای محض و عاقله را مسئول آن دانسته است (بند الف ماده ۲۹۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲). این نظر از توجیه صحیحی برخوردار نیست و حکم ضمان در برخی موارد خاص، به علت وجود نص و تعبد استنباط شده است (عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۱۱۵). مبنای استدلال مشهور فقها، دیدگاه و رویکرد فلسفی آنها به مقوله سببیت و مباحث آن است، به طوری که قصد، اراده و اختیار را در سببیت دخیل نمی‌دانند، در نتیجه اعمال غیراختیاری را سبب و مسئول ضرر وارد شده می‌دانند. وانگهی، نقش و جایگاه اراده را در عنصر تقصیر می‌دانند، نه در عنصر سببیت. در مقابل نظر مشهور، برخی از فقها، مرتکب فعل غیراختیاری (مانند شخص خواب) را به این دلیل که فاقد اختیار و سببیت حقوقی (استناد) است، ضامن خسارات وارد شده، ندانستند (خویی، ۱۴۴۲، ج ۲،

ص ۲۲۲ / محقق داماد، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴).^۵ به نظر می‌رسد استدلال مشهور، قابل توجیه نیست؛ زیرا، ملاک مسئولیت مدنی سببیت فلسفی نیست و نباید به سببیت حقوقی صرفاً با دیدگاه مادی نگریست؛ بنابراین «شخص تنها هنگامی مسئول است که بین فعل وی و ورود ضرر رابطه سببیت وجود داشته باشد و در ارتکاب آن مختار بوده باشد؛ بنابراین انسان تنها در قبال «افعال اختیاری‌اش» (Actions, Doing) مسئول است نه در قبال «رویدادها» (Happening, Events)» (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۴).

گفتنی است که بین شخصیت حقوقی و سببیت حقوقی، ملازمه‌ای وجود ندارد به طوری که لازم و ملزوم یکدیگر باشند. وانگهی ماهیت آنها نیز متفاوت است. درست است که سببیت حقوقی خاص اشخاص حقوقی است و اشیا و حیوانات، به لحاظ حقوقی فاقد شخصیت‌اند و تبعاً امکان ایجاد سببیت حقوقی را نیز ندارند؛ ولی منظور از شخص حقوقی، شخص حقوقی‌ای است که شرایط سببیت حقوقی را داشته باشد؛ به بیان دیگر ممکن است، شخصی دارای اهلیت تمتع، اهلیت مدیونیت باشد؛ ولی، با وجود این، به علت فقدان شرایط سببیت حقوقی، سبب حقوقی وقوع خسارت وارد شده، تلقی نگردد، مثلاً دیوانه مطلق^۶ که هیچ تسلط و کنترلی بر رفتار خود ندارد،

۵. به نظر می‌رسد، علت اختلاف نظرات مزبور، به تفاوت مبنایی و رویکردی برمی‌گردد. درخصوص مسئولیت مدنی می‌توان سه رویکرد بیان نمود: رویکرد اول: «رویکرد عینی‌گرای صرف» است، که به عناصر غیرمادی (اعم از عناصر شخصی و عناصر روانی)، مانند: قصد فعل، عمد، تقصیر، علم، اختیار و حسن نیت در مسئولیت مدنی و نیز در تحقق ارکان آن، توجهی ندارند و شرط مسئولیت مدنی نمی‌دانند. در نتیجه به عامل زیان چه به طور شخصی و چه به طور نوعی توجهی ندارند. رویکرد دوم: «رویکرد شخصی‌گرا» است و عناصر غیرمادی (اعم از عناصر شخصی و عناصر روانی) را در مسئولیت مدنی مؤثر می‌دانند و تقصیر را (به مفهوم شخصی یا نوعی) شرط (ثبوتی) تحقق مسئولیت مدنی می‌دانند. رویکرد سوم: «رویکرد شخصی و عینی‌گرا» است. طبق این دیدگاه، مسئولیت مدنی دارای ماهیت دوگانه است: از یک سو عناصر غیرمادی اعم از عناصر روانی و عناصر شخصی همانند تقصیر شرط (ثبوتی) مسئولیت مدنی نیست. از سوی دیگر، این عناصر، ضابطه احراز و تشخیص قوت سببیت هستند؛ به بیان دیگر شرط اثباتی هستند. به نظر می‌رسد رویکرد سوم وجهی‌تر باشد و با منطق و موازین حقوقی بیشتر همخوانی دارد.

۶. جنون درجانی دارد. برخی از دیوانگان، بر رفتار خود، کنترل و تسلط دارند و دارای قصد فعل هستند، جنون این دسته از دیوانگان نسبی است؛ ولی برخی دیگر از دیوانگان، هیچ تسلطی بر رفتار خود ندارند، جنون این دسته از دیوانگان مطلق است.

هرچند دارای شخصیت حقوقی و اهلیت تمتع و اهلیت مدیونیت است؛ ولی چون یکی از شرایط سببیت حقوقی، یعنی قصد فعل را ندارد؛ در نتیجه، توان برقراری سببیت حقوقی را ندارند.

در برخی از نظام‌های حقوقی، تمیز، شرط تحقق مسئولیت مدنی دانسته شده است و کودکان تا سن خاصی فاقد مسئولیت مدنی هستند. برای نمونه، بند ۱ ماده ۱۶۴ قانون مدنی مصر و نیز ماده ۱۲۲ قانون تعهدات و قراردادهای لبنان، تمیز را شرط مسئولیت مدنی می‌دانند و شخص غیرممیز را ضامن خسارات وارد شده نمی‌دانند.

وجه تمایز انسان با حیوان، اراده، عقل و اختیار اوست که همین عوامل، علت قابلیت استناد حقوقی و مسئولیت انسان در برابر خسارات وارد شده گردیده است؛ در نقطه مقابل، حیوانات به علت فقدان عقل و اراده، مسئول حرکات و رفتار خود نیستند. زیرا رفتار و حرکات آنها غریزی است نه عقلی (حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۵۱). از یک سو شخص غیرممیز در برخی از مصادیق خود، مانند دیوانه مطلق و یا نوزاد دو ماهه که هیچ تسلطی بر رفتار خود ندارند، فاقد قصد فعل و تبعاً فاقد قدرت سببیت حقوقی است؛ از سویی دیگر، وجود تمیز، ملازمه‌ای با وجود قصد فعل ندارد و ممکن است شخص، ممیز باشد؛ ولی، با وجود این، دارای قصد فعل نباشد و تبعاً مسئول خسارات وارد شده، تلقی نگردد. بین ممیز بودن و وجود قصد فعل، از یک طرف و نیز بین غیرممیز بودن و فقدان قصد فعل از سوی دیگر، ملازمه‌ای وجود ندارد و رابطه منطقی بین آنها عموم و خصوص من وجه است، به طوری که ممکن است، غیرممیزی فاقد قصد فعل باشد (مانند دیوانه مطلق یا نوزاد دو ماهه) و نیز ممکن است، واجد قصد فعل باشد، مانند طفل پنج ساله، که هرچند غیرممیز است؛ ولی، در اعمال خود قصد فعل دارد، مثلاً بازی می‌کند، راه می‌رود، می‌خورد، می‌خواند و غیره. همچنین ممکن است شخص ممیز، دارای قصد فعل باشد (که عموماً این‌طور است) و نیز ممکن است، شخص ممیز، قصد فعل در اعمال خود، نداشته باشد، مانند شخص مجبور؛ بنابراین می‌توان گفت: آنچه ملاک مسئولیت مدنی است، سببیت حقوقی است که ارادی بودن فعل ارتكابی از شرایط آن است (التقیب، ۱۹۸۷، ص ۱۴۵).

تقصیر، بی‌احتیاطی و به‌خصوص تعمد از عناصری است که باعث می‌شود، حادثه

وقوع یافته در حکم عمل ارادی تلقی گردد و مقصر مسئول آن دانسته شود، مثلاً شخصی که تعمداً مشروب می‌خورد و خود را مست می‌کند و در حین مستی، که فاقد قصد، شعور و اراده است، به کسی خسارت وارد می‌کند؛ یا راننده خواب‌آلودی که احتمال وقوع حادثه را می‌دهد و با وجود این، بی‌احتیاطی می‌کند و به رانندگی خود ادامه می‌دهد و وی را خواب می‌برد و در زمان خواب که فاقد اراده است، باعث تصادف و خسارت می‌گردد، در این موارد عمل منجر به حادثه و خسارت - هرچند در زمانی اتفاق افتاده است که شخص فاقد اراده بوده است - در حکم عمل ارادی است و شخص در وقوع آن، دارای قصد فعل، فرض می‌شود. در نتیجه، بین عمل وی با خسارت وارد شده، سببیت حقوقی فرض می‌شود که مسئول جبران آن است.

قصد فعل در مسئولیت مبتنی بر تقصیر و نیز مسئولیت عینی شرط است؛ زیرا سببیت حقوقی (استناد) در این دو نوع مسئولیت، شرط ضمان است؛ ولی، در مسئولیت مطلق (مانند مسئولیت غاصب یا شبه‌غاصب)، قصد فعل، شرط ضمان نیست؛ زیرا مستند غضب و یا شبه غضب، با مستند سببیت تفاوت دارد. در ضمان غضب، قصد فعل و قصد نتیجه لازم نیست؛ زیرا انتساب در تلف لازم نیست، بلکه تلف در زمان غضب کافی است و همین که تلف در زمان غضب رخ دهد، غاصب مسئول است، هرچند سببیتی در وقوع آن نداشته باشد.

۴. مبنای مسئولیت مدنی شخص غیرممیز

در خصوص مسئولیت مدنی شخص غیرممیز (صغیر غیرممیز یا مجنون) که فاقد قوه تمیز و درک و تشخیص است، بین فقها و حقوق‌دانان، اختلاف نظری مشاهده نمی‌شود و مشهور آنها، شخص غیرممیز را مسئول خسارات وارد شده، توسط آنها می‌دانند^۷ (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۱۱۴ / حسینی عاملی، ۱۴۳۳، ج ۶، ص ۱۴۶ / حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ج ۲،

۷. برخی از فقهای عامه شخص غیرممیز را به این دلیل که فاقد عقل و قوه تمیز است و مورد خطاب قرار نمی‌گیرد، فاقد مسئولیت دانستند، ظاهریه برخلاف اکثر فقهای اسلام، قایل به این نظر هستند و برخی از نویسندگان معاصر عرب زبان، این نظر را به گروهی از مالکیان نسبت داده‌اند (زحیلی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۷۴ / ابن حزم اندلسی، ۱۴۳۲، ج ۱۱، مسئله ۲۱۱۶).

ص ۳۸۶). چالش اساسی در مورد مسئولیت صغیر غیرممیز و مجنون، به خصوص آنجایی است که سرپرست آنها نیز تقصیری مرتکب نشده است تا خسارات وارد شده را بتوان از سرپرست آنان به عنوان سبب متعارف بازستاند (ماده ۷ ق.م.م.). سؤالات قابل طرح این است که آیا بین اعمال شخص غیرممیز - در تمام موارد و مصادیق آن - با خسارات وارد شده، سببیت حقوقی وجود دارد یا خیر؟ آیا اینان قصدی در افعال خود دارند؟ آیا امکان مقصر قلمداد کردن اینان وجود دارد یا خیر؟

گروهی از حقوق دانان مبنای مسئولیت مدنی شخص غیرممیز را در حالت اتلاف (ورود ضرر به نحو مستقیم و بی واسطه) مسئولیتی عینی و بدون تقصیر دانسته‌اند؛ ولی در حالت تسبیب (ورود ضرر به نحو غیرمستقیم و با واسطه) مبنای مسئولیت آنها را مبتنی بر تقصیر به مفهوم نوعی آن دانسته‌اند و ملاک ارزیابی و سنجش تقصیر را رفتار شخص متعارف و معقول دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۱۵۰ و ۲۱۳ / سامت، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶ / سنهوری، [بی تا]، ج ۲، صص ۱۰۴ و ۹۹۳) و بیان کردند: هرچند شخص غیرممیز نمی‌تواند مرتکب تقصیر به معنای شخصی آن بشود؛^۸ ولی، چون رفتار زیان‌بار وی، نقض قاعده حقوقی و برخلاف رفتار شخص متعارف و معقول است، مقصر به مفهوم نوعی آن قلمداد شده که ضامن خسارات وارد شده محسوب می‌گردد.

گروهی دیگر از نویسندگان، مبنای مسئولیت مدنی شخص غیرممیز را چه در حالت اتلاف^۹ و چه در حالت تسبیب، تقصیر به مفهوم نوعی آن دانستند و اظهار نمودند که در هر دو حالت اتلاف و تسبیب، تقصیر شرط تحقق مسئولیت مدنی است، با این تفاوت که در حالت اتلاف که ضرر به نحو مستقیم و بی واسطه ایجاد می‌شود، به علت وضوح و

۸. در تقصیر به مفهوم شخصی آن، تمیز و قصد، شرط و اساس تقصیر است و شخص غیرممیز نمی‌تواند مقصر قلمداد گردد.

۹. حالت اتلاف و حالت تسبیب، حالاتی از سببیت حقوقی هستند که به نظر می‌رسد، از حیث مینا، شرایط، اثر و احکام، تفاوتی بین آنها وجود ندارد. فقط از جهت حالت ورود خسارت بین آنها تفاوت وجود دارد به طوری که حالت ورود خسارت در اتلاف، مستقیم است که به علت وضوح عرفی احراز سببیت حقوقی بین فعل متلف و ضرر وارد شده، نیازی به کمک و احراز تقصیر نیست؛ ولی در تسبیب، حالت ورود خسارت، غیرمستقیم است که معمولاً -نه لزوماً- جهت احراز سببیت حقوقی بین فعل مسبب و ورود خسارت، نیازمند احراز تقصیر است. به هر حال، علیرغم وجود این تفاوتها، بین این دو حالت سببیت، مبانی و احکام حاکم بر آنها یکسان است.

روشنی تقصیر در آن، نیازی به اثبات تقصیر دانسته نشده است؛ بلکه با احراز سببیت حقوقی در اتلاف بالمباشره، پی به وجود تقصیر مباشر، برده می‌شود و تقصیر، فرع بر سببیت حقوقی است، که به معنای عدم شرطیت تقصیر در اتلاف بالمباشره نیست؛ ولی، در حالت تسبیب، معمولاً از تقصیر مسبب، پی به رابطه سببیت برده می‌شود. طبق این دیدگاه، مبنای مسئولیت مدنی چه در حالت اتلاف و چه در حالت تسبیب، قاعده تقصیر است (رشتی، [بی تا]، ص ۳۱ حیات، ۱۳۹۲، ص ۵۸-۵۷).

دسته سوم از حقوق دانان مبنای مسئولیت مدنی شخص غیرممیز را چه در حالت اتلاف و چه در حالت تسبیب، مسئولیت نوعی و بدون تقصیر و نیز ملاک و معیار مسئولیت مدنی را استناد عرفی می‌دانند، نه تقصیر - چه تقصیر به مفهوم شخصی و چه به مفهوم نوعی آن - (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱، صص ۸۱ و ۸۳ / رهپیک، ۱۳۹۲، صص ۱۶۷ و ۱۷۶) و در مورد شخص غیرممیز معتقدند: در اینان قصد فعل، به طور نوعی وجود دارد و از دیدگاه عرفی ضررهای وارد شده، قابل انتساب به آنها است و به علت همین استناد عرفی، مسئول خسارات وارد شده تلقی می‌گردند (باریکلو، ۱۳۸۹، صص ۵۳ و ۱۳۱ / عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص ۹۸).

نظر مشهور فقها و حقوق دانان به مسئولیت شخص غیرممیز در همه موارد و مصادیق خود است، خواه دارای قصد فعل باشند و خواه نباشند (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۱۱۴ / طباطبایی یزدی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲) با این استدلال که در مسئولیت مدنی، که از احکام وضعی است، برخلاف احکام تکلیفی، تمیز و عقل شرط نیست و معتقدند که آنها به طور نوعی دارای قصد فعل هستند و بین ضررهای وارد شده با اعمال آنها استناد عرفی وجود دارد و نیز در حالت تسبیب (ورود ضرر به نحو غیرمستقیم) معتقدند، قابلیت مقصر تلقی شدن - البته تقصیر به مفهوم نوعی و اجتماعی آن - را دارند.

به نظر می‌رسد، نظر مشهور فقها و حقوق دانان قابل تردید است؛ زیرا شخص غیرممیز در برخی از مصادیق خود (همچون دیوانه مطلق و یا طفلی که هیچ تسلطی بر اعمال خود ندارد؛ مانند نوزاد دو ماهه)، به علت فقدان قصد فعل، سببیتی در وقوع خسارت وارد شده، ندارد تا بتوان وی را ضامن خسارات دانست. مجنون و طفل در برخی از مصادیق خود، فاقد قصد فعل هستند. در موارد تردید در خصوص وجود یا

فقدان قصد فعل، احراز آن با دادرس است که باید با توجه به اوضاع و احوال قضیه تشخیص دهد، آیا خواننده قصد فعل در اعمال خود را داشته است یا خیر. همچنین صغیر غیرممیز و مجنون نمی‌تواند، مقصر قلمداد گردد؛ زیرا تمیز، لازمه تقصیر است و بدون آن، تصور تقصیر ممکن نیست و استفاده از مفهوم نوعی برای تقصیر راه‌حل مسئله نیست و صرفاً پاک کردن صورت مسئله است؛ بنابراین در حالتی که شخص، فاقد قصد فعل است، مانند: مجنون مطلق و یا نوزاد دو ماهه، تصور تقصیر برای وی، غیرعقلایی است و چنین شخصی اصلاً اراده و قصد فعل ندارد، تا بتوانیم وی را مقصر قلمداد کنیم؛ زیرا قصد فعل، رکن تقصیر است که بدون آن تقصیر محقق نمی‌شود؛ برعکس، محجورینی که دارای قصد فعل هستند، مانند طفل ممیز و غیررشید، می‌توانند مباشر و یا سبب خسارت و تبعاً مسئول خسارت وارد شده، قرار گیرند، به طوری که می‌توان بین اعمال آنها با خسارت وارد شده، سببیت حقوقی برقرار نمود.

۲۵

حقوق اسلامی / نگاهی نو به مسئولیت مدنی شخص غیرممیز

بنابراین افعال شخص غیرممیز (در برخی از مصادیق خود)، به علت فقدان قصد فعل در اینان، قابل انتساب به آنها نیست و اینان هرچند دارای شخصیت حقوقی، اهلیت تمتع و اهلیت مدیونیت هستند؛ ولی، از حیث سبب حقوقی قلمداد شدن، در حکم حیوان، اشیا و قوه قاهره هستند؛ زیرا از این حیث، تفاوت انسان با حیوان و اشیا، عنصر اراده و اختیار آدمی است و انسانی که فاقد اختیار و اراده باشد از حیث سببیت حقوقی، در حکم حیوان و شی است و همانند اشیا و حیوانات، توان برقراری سببیت حقوقی با خسارت وارد شده را ندارند؛ به بیان دیگر همان‌طوریکه زیان‌های ناشی از حیوان و اشیا - به خصوص در جاییکه منتسب به تقصیر انسان نباشد - به علت فقدان سببیت حقوقی، قابل جبران نیست؛ خسارات ناشی از افعال مجنون و افعال صغیر غیرممیز در برخی موارد آن، به همین علت، نیز غیرقابل جبران است (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۵۵/ عمید زنجانی، ۱۳۸۹، صص ۱۱۶ و ۱۳۳/ بادینی، ۱۳۸۴، صص ۱۰۰ و ۱۷۱/ محمد احمد، ۱۴۰۵، ص ۲۳۴).

بنابراین ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی که حکم به مسئولیت مدنی صغیر غیرممیز در همه موارد و مصادیق آن داده است، قابل انتقاد می‌باشد و ضرورت دارد که مقنن آن را نسخ کند. به دیگر عبارت، موضوع سببیت حقوقی، اشخاص با اراده و اختیار است و اشیا، حیوانات و اشخاص بی‌اراده و غیرمختار از قلمرو آن، خروج موضوعی دارد و اینان

فاقد سببیت حقوقی و تبعاً مسئولیت هستند و خسارات ناشی از آنها ضمان آور نیست و این خسارات در فقه تحت عنوان «تالف» مورد بررسی قرار می‌گیرد (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۱۴۴ / یزدانیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۹).

به نظر می‌رسد، بهترین مبنا برای مسئولیت مدنی، سببیت حقوقی است^{۱۰} و چنانچه بین ضررهای وارد شده و عمل خوانده سببیت حقوقی برقرار باشد، خوانده مسئول خسارات وارد شده است و در غیراینصورت، چنانچه بین ضررهای وارد شده و عمل خوانده، سببیت حقوقی برقرار نباشد، مسئولیتی نیز وجود ندارد. همانطوبکه بیان شد، شخص غیرممیز در برخی مصادیق خود، فاقد قصد - چه قصد فعل و چه قصد نتیجه - است. هرچند قصد نتیجه (قصد اضرار) چه در حالت اتلاف و چه در حالت تسبیب، شرط تحقق مسئولیت مدنی نیست؛ ولی، قصد فعل، شرط سببیت حقوقی است که بدون آن، امکان برقراری سببیت حقوقی، موضوعاً منتفی است؛ بنابراین استدلال حقوق-دانانی که قصد نتیجه (تقصیر) را بعضاً یا کلاً شرط تحقق مسئولیت مدنی دانسته‌اند، از این جهت قابل ایراد است؛ همچنین شخص غیرممیز، چون در برخی مصادیق خود، فاقد قصد فعل، نسبت به حرکات و اعمال خود می‌باشد، سبب حقوقی اعمال خود محسوب نمی‌گردد، هرچند ممکن است، سبب فلسفی و مادی آن محسوب گردد و چنانچه زیان‌های وارد شده ناشی از اعمال اینان، منتسب و مستند به تقصیر ولی یا سرپرست وی نباشد، هدر و غیرقابل جبران است و همانند خسارات وارد شده، ناشی از عوامل طبیعی و فورس ماژور (مانند سیل، زلزله، صاعقه، طوفان و...) و نیز همانند

۱۰. سببیت به دو اعتبار قابل بحث است: از منظر فلسفه حقوق به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی و به اعتبار ارکان مسئولیت مدنی، به‌عنوان رابطه سببیت.

بین سببیت حقوقی و مسئولیت مدنی ملازمه وجود دارد و به‌عنوان موضوع برای حکم، علت و سبب حکم، محسوب می‌گردد. به دیگر عبارت، با وجود و احراز سببیت حقوقی مسئولیت نیز به‌عنوان اثر و حکم سببیت، بر آن حمل می‌شود. ملازمه بین مسئولیت مدنی و سببیت حقوقی، ماهیت آنها را یکی نمی‌کند؛ مسئولیت به‌عنوان امر حکمی، با سببیت به‌عنوان امر موضوعی، تفاوت ماهوی و جوهری دارند: اولی حکم و دومی موضوع و مصداق آن است (خدابخشی، ۱۳۹۲، ص ۵۰۱) گفتنی است که بین سببیت و مسئولیت کیفری ملازمه وجود ندارد؛ زیرا ممکن است بین عمل شخص و نتیجه، سببیت حقوقی برقرار باشد؛ ولی، مرتکب آن به‌علت موانع مسئولیت کیفری (مانند صغر، جنون، اهلیت و...)، مسئول و مستحق مجازات مقرر نباشد.

خسارات ناشی از حرکات حیوانات در حالتی که قابل انتساب به تقصیر شخص نیست، قابل مطالبه و جبران نیست، که پیشنهاد می‌شود، در این خصوص قانونگذار، جهت رعایت عدل و انصاف و جبران خسارت زیان‌دیده با وضع قانون از مسئولیت و تعاون اجتماعی و یا از نهاد بیمه اجباری مسئولیت یا از مسئولیت بیت‌المال و دولت استفاده کند.^{۱۱}

با تتبع در نظریات مشهور فقها که قائل به مسئولیت مدنی شخص غیرممیز در همه مصادیق خود هستند، به این نتیجه دست می‌یابیم که فقها ملاک مسئولیت را سببیت مادی و فلسفی می‌دانند، نه سببیت حقوقی و صرف حضور فیزیکی شخص در زمان و مکان وقوع ضرر - خواه دارای قصد فعل باشد و خواه نباشد - را موجب ضمان و مسئولیت دانسته‌اند، حال آنکه مبنای مسئولیت مدنی، سببیت فلسفی و مادی نیست، بلکه مبنای آن، سببیت حقوقی است که بین آن دو نوع سببیت از حیث مفهوم، مبنای معیار، هدف، قواعد و نتیجه، تمایز اساسی وجود دارد؛ به طوری که شخص غیرممیز در برخی مصادیق خود که فاقد قصد فعل است، سبب حقوقی حرکات و عملکرد خود محسوب نمی‌شود، تا مسئول و پاسخ‌گوی آن باشد؛ بنابراین دیدگاهی که شخص غیرممیز را مقصر به مفهوم نوعی آن می‌داند، قابل نقد است؛ زیرا تمیز اساس و عنصر اصلی تقصیر است که در شخص غیرممیز وجود ندارد.^{۱۲} همچنین نظر آن دسته از حقوق‌دانان که خسارات وارد شده، توسط شخص غیرممیز را در همه موارد و مصادیق آن، مستند به وی دانسته‌اند، نیز قابل رد است؛ زیرا خسارات، قابل استناد حقوقی به

۲۷

حقوق اسلامی / نگاهی نو به مسئولیت مدنی شخص غیرممیز

۱۱. تفصیل این بحث، نیازمند تحقیق جداگانه است و از حوصله این نوشتار خارج است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۷/ ره‌پیک، ۱۳۹۲، ص ۱۹۴).

۱۲. بین تقصیر و نامشروع بودن عمل، تمایز وجود دارد؛ بر این اساس، نباید مبنای اخلاقی تقصیر را از آن جدا کرد. صرف نقض یک قاعده حقوقی، عمل نامشروع و خلاف است که ممکن است تقصیر قلمداد گردد و ممکن است تقصیر قلمداد نگردد؛ زیرا در تقصیر به جنبه شخصی، ذهنی و روانی این نقض توجه می‌شود که شخص مقصر باید دارای قوه تمیز و تشخیص باشد و بتوان ارتکاب عمل نامشروع و خلاف را به اراده و خواست او منتسب نمود. تمیز دارای دو عنصر است. یکی عنصر ذهنی و روانی است که شخص ممیز باید توان ارزیابی و سنجش رفتار خویش از حیث مشروع یا نامشروع بودن را داشته باشد و دیگری عنصر ارادی است که شخص ممیز باید توان هدایت و کنترل رفتار خویش را داشته باشد (درویدیان، [بی تا]، ص ۲۲).

اَعمال و حرکات اینان، در مصادیقی که شخص غیرممیز فاقد قصد فعل است، نیست، تا مسئول آن باشند. در این خصوص پیشنهاد می‌شود، به جای اینکه قانونگذار برخلاف اصول حقوقی، شخص غیرممیز را به خصوص در حالتی که فاقد قصد فعل است، مسئول بداند (ماده ۱۲۱۶ ق.م.). باید از راهکارهای فوق‌الذکر همچون مسئولیت اجتماعی یا مسئولیت بیت المال و دولت استفاده کند و از این طریق زیان وارد شده به زیان‌دیده را جبران کند، و راه احجاف به وی را مسدود نماید. قانونگذار در موارد خاصی همچون مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی، در حالت خسارات ناشی از قوه قاهره از قبیل جنگ، سیل و زلزله، علیرغم فقدان سببیت عرفی، نوعی سببیت قانونی بین دارنده و خسارات وارد شده فرض و برقرار کرده است که دارنده یا بیمه‌گر وی، ملزم به جبران آن خسارات هستند (ماده ۷ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵)؛ بنابراین اعمال ماده ۱۲۱۶ ق.م. در خصوص مسئولیت مدنی شخص غیرممیز به خصوص در مواردی که شخص غیرممیز، فاقد قصد فعل است، ناعادلانه می‌نماید و باید پیشنهاد نسخ آن را به قانونگذار، نمود.

نتیجه

طی بررسی مقاله حاضر، نتایج ذیل به‌عنوان مختصر و امهات تحقیق، حاصل آمده است:

مبنای مسئولیت مدنی، سببیت فلسفی و مادی نیست، بلکه مبنای آن، سببیت حقوقی است که بین آن دو نوع سببیت از حیث مفهوم، مبنای معیار، هدف و قواعد تمایز اساسی وجود دارد؛ به طوری که ممکن است عاملی در وقوع خسارت وارد شده، سبب فلسفی و مادی آن، باشد؛ ولی با وجود این، سبب حقوقی و تبعاً مسئول قلمداد نشود. وانگهی بین سببیت حقوقی و سببیت عرفی نیز تفاوت وجود دارد و سببیت حقوقی اعم از سببیت عرفی و سببیت قانونی است. به دیگر سخن، سببیت عرفی، جزئی از سببیت حقوقی است و جامع همه سببیت‌ها نیست؛ زیرا سببیت، ممکن است، عرفی نباشد و

بلکه قانونی باشد.

یکی از شرایط تحقق سببیت حقوقی، وجود قصد فعل در مرتکب آن است که بدون آن، سببیت حقوقی، محقق و برقرار نمی‌شود؛ به بیان دیگر ارادی و اختیاری بودن فعل ارتكابی، شرط تحقق سببیت حقوقی است. یعنی رفتار مرتکب باید با قصد فعل (عمد در عمل) صورت گیرد، اگرچه قصد اضرار (عمد در اضرار) وجود نداشته باشد؛ به دیگر سخن، فعل ارتكابی لازم نیست، عامدانه باشد، ولی لازم است که مرتکب با قصد، اراده و اختیار، فعل ارتكابی را انجام داده باشد؛ زیرا فعل غیرارادی و غیراختیاری قابل انتساب به مرتکب آن نیست و بین فعل غیرارادی و ضرر وارد شده، سببیت حقوقی برقرار نمی‌شود و تبعاً مرتکب آن، مسئول خسارات وارد شده نیست.

شخص غیرممیز اعم از دیوانه و طفل غیرممیز (در برخی از مصادیق خود که فاقد قصد فعل است و هیچ تسلطی - خواه تسلط مثبت و خواه تسلط منفی - بر اعمال خود ندارد، مانند دیوانه مطلق یا نوزاد دوماهه)، به علت اینکه فاقد قصد فعل است، سببیت حقوقی در وقوع خسارت‌های وارد شده را ندارد، در نتیجه نمی‌توان، وی را ضامن خسارات دانست؛ به بیان دیگر افعال اینان، قابل انتساب به آنها نیست و از این حیث در حکم حیوان، اشیا و قوه قاهره هستند؛ زیرا تفاوت انسان با حیوان و اشیا، اراده و اختیار است و انسانی که فاقد اختیار و اراده باشد از حیث توان ایجاد سببیت حقوقی، در حکم حیوان و شی است و همان‌طوریکه زیان‌های ناشی از حیوان و اشیا - به خصوص در جاییکه منتسب به تقصیر انسان نباشد - قابل جبران نیست، خسارات ناشی از افعال شخص غیرممیز آنجاییکه فاقد قصد فعل است، نیز غیرقابل جبران است. همچنین اینان نمی‌تواند، مقصر قلمداد گردد؛ زیرا، قصد و تمیز، لازمه تقصیر است و بدون آن تصور تقصیر ممکن نیست.

پیشنهاد می‌شود، به جای اینکه قانونگذار برخلاف اصول حقوقی، شخص غیرممیز را در همه موارد و مصادیق خود، مسئول بداند (ماده ۱۲۱۶ ق.م.)، از راهکارهایی همچون بیمه اجباری، مسئولیت اجتماعی یا مسئولیت بیت المال و دولت، استفاده کند و از این طریق زیان وارد شده به زیان‌دیده را جبران کند، و راه احجاف به وی را مسدود نماید؛ بنابراین اعمال ماده ۱۲۱۶ ق.م. در خصوص مسئولیت مدنی شخص غیرممیز آن هم

به‌طور عموم و در همهٔ موارد و مصادیق آن، ناعادلانه است و ضروری است قانونگذار
آن را اصلاح و یا نسخ نماید.

منابع

۱. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد؛ المحلی فی شرح المجلی بالحجج والآثار؛ ج ۱۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۳۲ق.
۲. ابن عابدین، محمد امین بن عمر؛ ردالمحتار علی الدرالمختار؛ ج ۶، ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۱، ۳، بیروت: انتشارات دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۹۹۴م.
۴. اصفهانی (فاضل هندی)، محمد بن حسن؛ کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام؛ ج ۱۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۵. انصاری، مرتضی؛ مکاسب؛ ج ۷، بیروت: مؤسسة النعمان، ۱۴۱۰ق.
۶. آل کاشف الغطاء، محمد حسین؛ تحریرالمجلة؛ ج ۳، ۱، نجف: المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۹ق.
۷. بابایی، ایرج؛ حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد؛ ج ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۴.
۸. بادینی، حسن؛ فلسفه مسئولیت مدنی؛ ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
۹. باریکلو، علیرضا؛ اشخاص و حمایت های حقوقی آنان؛ ج ۱، تهران: مجد، ۱۳۸۷.
۱۰. باریکلو، علیرضا؛ مسئولیت مدنی؛ ج ۳، انتشارات تهران: میزان، ۱۳۸۹.
۱۱. بشیری، تهمورث؛ «تعامل مفاهیم حقوقی و روانپزشکی جنون»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی؛ ش ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۹۶-۸۵.
۱۲. حسینی عاملی، سید محمد جواد؛ مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة؛ ج ۶، ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۳۳ق.
۱۳. حسینی المرآغی، سید میر عبد الفتاح؛ العناوین؛ ج ۲، ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی،

۱۷ق.۱۴

۱۴. حیاتی، علی عباس؛ اشخاص و محجورین؛ ج ۲، تهران: میزان، ۱۳۹۴.
۱۵. حیاتی، علی عباس؛ حقوق مدنی ۴ (مسئولیت مدنی)؛ ج ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۲.
۱۶. خدابخشی، عبدالله؛ تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری؛ ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.
۱۷. خویی، سیدابوالقاسم؛ مبانی تکملة المنهاج؛ ج ۲، قم: مؤسسه إحياء الآثار الإمام الخوئی، ۱۴۴۲ق.
۱۸. خویی، سیدابوالقاسم؛ مصباح الفقاهة فی المعاملات (تقریرات درس)؛ به کوشش محمدعلی توحیدی تبریزی؛ ج ۳، ج ۴، قم: مؤسسه انصاریان للطباعة والنشر، ۱۴۱۷ق.
۱۹. درودیان، حسنعلی؛ «مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند (مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر و مجنون)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران؛ ش ۳۶، بهار ۱۳۷۶، ص ۳-۴۰.
۲۰. دهخدا، علی اکبر؛ لغتنامه دهخدا؛ ج ۷، ج ۱ (دوره جدید)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۲۱. رشتی، میرزاحبیب‌الله؛ کتاب غصب؛ ج ۱، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۹.
۲۲. رهپیک، حسن؛ حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها؛ ج ۱ (ویرایش جدید)، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
۲۳. زحیلی، وهبه؛ الفقه الإسلامی و ادلته؛ ج ۵، ج ۳، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۲۴. سامت، محمدعلی؛ مسئولیت مدنی صغیر و مجنون در حقوق موضوعه و اسلام (پایان‌نامه دکتری)؛ تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۲۵. سنهوری، عبدالرزاق؛ الوسيط فی شرح القانون المدنی الجدید؛ ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۲۶. شهیدی، مهدی؛ تشکیل قراردادها و تعهدات؛ ج ۵، تهران: انتشارات مجد،

۱۳۹۰.

۲۷. صفایی، سیدحسین و حبیب‌الله رحیمی؛ مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)؛ چ ۳، تهران: سمت، ۱۳۹۱.

۲۸. صفایی، سیدحسین و سیدمرتضی قاسم‌زاده؛ اشخاص و محجورین؛ چ ۱۱، تهران: سمت، ۱۳۸۴.

۲۹. صفایی، سیدحسین؛ حقوق مدنی و حقوق تطبیقی؛ مقاله دوم: «مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌آور صغیر و مجنون»؛ چ ۲، تهران: میزان، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹-۲۵۷.

۳۰. طاهری‌نسب، سیدیزدالله؛ رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان؛ چ ۲، تهران: دادگستر، ۱۳۸۹.

۳۱. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم؛ حاشیه مکاسب؛ ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.

۳۲. طباطبایی، سیدعلی؛ ریاض المسائل؛ ج ۱۶، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۸ق.

۳۳. عاملی، محمدبن‌حسن؛ وسائل‌الشیعة؛ ج ۲۹، چ ۶، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۴۰۳ق.

۳۴. عمید زنجانی، عباسعلی؛ موجبات ضمان؛ چ ۲، تهران: میزان، ۱۳۸۹.

۳۵. قاسم‌زاده، سیدمرتضی؛ مبانی مسئولیت مدنی؛ چ ۵، تهران: میزان، ۱۳۸۷.

۳۶. کاتوزیان، ناصر؛ اعمال حقوقی؛ چ ۶، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.

۳۷. کاتوزیان، ناصر؛ الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)؛ ج ۱، چ ۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.

۳۸. محقق داماد، سیدمصطفی؛ قواعد فقه (بخش مدنی)؛ چ ۱۸، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷.

۳۹. محمد احمد، سلیمان؛ ضمان‌المتلفات فی الفقه الإسلامی؛ چ ۱، قاهره: مطبعة السعادة، ۱۴۰۵ق.

۴۰. معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ چ ۲، تهران: چاپ آثار، ۱۳۸۶.

۴۱. میرشکاری، عباس؛ رساله عملی در مسئولیت مدنی با تجدیدنظر و اضافات کلی؛ چ ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶.

٤٢. نجفی، محمدحسن؛ **جواهرالکلام**؛ ج ٣٠، ص ٧، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ١٤١٢ق.
٤٣. نجیب حسنی، محمود؛ **رابطه سببیت در حقوق کیفری**؛ ترجمه سیدعلی عباس نیای زارع؛ ج ٣، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ١٣٩١.
٤٤. النقیب، عاطف؛ **النظرية العامة للمسئولية الناشئة عن فعل الشخصی**؛ ج ٢، بیروت: منشورات عویدات، ١٩٨٧م.
٤٥. نقیب، عاطف؛ **النظرية العامة للمسئولية الناشئة عن فعل الشخصی**؛ ج ٢، بیروت: منشورات عویدات، ١٩٨٧م.
٤٦. یزدانیان، علیرضا؛ **حقوق مدنی (قواعد عمومی مسئولیت مدنی)**؛ ج ١، چ ١، تهران: میزان، ١٣٨٦.
47. Cane, peter, **Retribution, Proportionality and Moral Luck in Tort Law, In The Law of Obligations: Essays in Celebration of John Fleming**, Edited By Peter Cane and Jane Stapleton, First Published, Oxford: Clarendon Press, 1998.
48. Lawson, F.H., Anton, A.L., Brown, L.Nevile., **Amos and Waltons In Introduction to French Law**, 3ed. Oxford: Oxford University Press, 1979.
49. Flour, (J) Luc-Aubert (J) et Savaux (E), **Droit Civil, Les Obligations**, 13 ed, Sirey: 2009.
50. Giliker, Paula, **Vicarious Liability in Tort, A Comparative Perspective**, Cambridge University Press, First Published, 2010.
51. Hazelt, Glenn Ben, «Tort Liability for Intentional Acts of Family Members», **Tennessee Law Review**, Vol68: 1, at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?Abstract_id=271443, 2000, pp1-39.
52. Heaton, Russell, **criminal law**, 2ed, Oxford: Oxford University

Press, 2006.

53. Herring, Jonathan, **Criminal Law**, Text, Cases and Materials, 1 edition, Oxford: Oxford University Press, 2004.
54. Samaha, Joel, **Criminal Law**, 10 edition, USA, Wadsworth Cengage Learning, 2007.
55. Sistare, C. T. **Responsibility and Criminal Liability**, Kluwar Acedemic Publishers, London, 1989.
56. The European Centre of Torts & Insurance Law, **Tort an Insurance Law: Children in Tort Law**, fifth edition, London: Butterworths, 1972.